

Lesson 2

Nouns			
abbreviation	اختصار، کوتاه‌نوشت، علامت اختصاری	entry	محل ورود، (لغت نامه و...) مدخل
vibration	لرزش، نوسان، ارتعاش	colony	اجتماع، گروه، دسته، مستعمره، مهاجرنشین
infection	عفونت، بیماری عفونی، آلودگی	purpose	هدف، منظور، مقصود
section	قسمت، بخش، تکه، قطعه	magnet	آهن ربا، مغناطیس، جاذبه
passenger	مسافر	volume	(کتاب) مجلد، جلد، دفتر، حجم، (شدت) صدا
scavenger	لاشخور، مردارخوار	wing	(پرنده، حشره، هواپیما و...) بال
astronaut	فضانورد	origin	منشأ، مبدأ، سرچشمه، اصل
president	رئیس جمهور، رئیس	issue	مسئله، موضوع، نتیجه
pocket	(لباس، چمدان، ...) جیب	term	اصطلاح، دوره، نیمسال، ترم
republic	(حکومت) جمهوری	sweet	آب نبات، شیرینی
treasure	گنج، گنجینه، خزانه	break	مدرسه) زنگ تفریح، (وقفه، تنفس
drought	خشکسالی، خشکی، بی‌بارانی، قحطی، کمبود	aid	کمک، یاری
database	پایگاه داده ها	tip	نوک، سر، پیشنهاد، (رستوران و...) انعام
anthill	تپه مورچه	arrangement	چیدمان، تدارک
browser	جستجوگر، مرورگر	clue	سررشته، اطلاع
combination	ترکیب، مجموعه	crop	گروه، جماعت
definition	شرح، توصیف	floor	کف، زمین
hearing	شنوایی	insect	حشره
introduction	مقدمه، معرفی	loss	ضرر، خسارت
ocean	اقیانوس	ostrich	شترمرغ
phrase	عبارت، اصطلاح	pollution	آلودگی
shape	وضعیت، حالت	stand	جایگاه، ایستگاه
type	نوع، تیپ	vocabulary	اصطلاحات، واژگان
being	هستی، وجود	biography	شرح حال

goods	کالاها، اجناس	pajamas	پیژامه
resource	منابع، ذخایر	scale	مقیاس ، درجه بندی
water way	آبراهه		

### Adjectives

monolingual	تک زبانه	complicated	پیچیده، دشوار
bilingual	دو زبانه	inner	داخلی، درونی، میانی، مرکزی
essential	ضروری، واجب، اساسی، ذاتی	minor	جزئی، کوچک، کم اهمیت
commercial	بازرگانی، تجارتي، اقتصادی	fresh	تازه، (آب) شیرین، (هوا) تازه
elementary	مقدماتی، اولیه، ابتدایی	smart	باهوش، زرنگ
intermediate	متوسط، میانی	absent	غایب
advanced	پیشرفته، (سن) بالا	entire	همه، تمام، کل، سرتاسر، دست نخورده
crowded	شلوغ، پرازدحام	phonetic	(زبان شناسی) آوایی، آواشناختی
communicative	خوش مشرب، ارتباطی	exact	دقیق، صحیح
free	رایگان، آزاد	imaginary	خیالی، غیرواقعی
incomprehensible	نامفهوم، مبهم	middle	میانی، وسطی
single	انفرادی، مجرد	superhuman	خارق العاده، فوق بشری
unchangeable	غیرقابل تغییر	unknown	ناشناس، گمنام
huge	عظیم، کلان	present	حاضر، موجود
technical	فنی، تخصصی	wingless	حشرات بی بال

### Adverbs

immediately	فوراً، بلافاصله	wisely	هوشیارانه، عاقلانه، خردمندانه، آگاهانه
primarily	اساساً، در درجه اول، عمدتاً، بیشتر	entirely	کاملاً، تماماً

indeed	در واقع، حقیقتاً، مسلماً، البته	essentially	اساساً، ذاتاً، دراصل
effectively	در واقع، عملاً	generally	به طور کلی، معمولاً
increasingly	به طور روزافزون	unexpectedly	ناگهانی، ناگافل
unsuccessfully	به طرز ناموفقی	widely	به طور گسترده، کاملاً
everywhere	همه جا، هرجایی که	originally	دراصل، با ابتکار



مدرسه مجازی اینو

Verbs			
suppose	فرض کردن، گمان کردن که، فکرکردن که	transmit	فرستادن، انتقال دادن، (تلویزیون) پخش کردن
claim	ادعا کردن که، مطالبه کردن، درخواست کردن	stick	چسباندن، نصب کردن
offer	پیشنهاد کردن، تقدیم کردن	bite	گازگرفتن، گاز زدن، (حشرات) گزیدن، نیش زدن
recommend	پیشنهاد کردن، سفارش کردن، معرفی کردن، مناسب دانستن	suffer	دردکشیدن، رنج کشیدن، متحمل ... شدن، تحمل کردن
highlight	تأکید کردن بر، (نوشته) با ماژیک مشخص کردن	allow	اجازه دادن به، قبول کردن
design	طراحی کردن، طرح ... را کشیدن، برنامه ریزی کردن	jump	(فصل کتاب و...) جاانداختن، ول کردن، پریدن از روی
compile	(مطالب کتاب و...) گردآوری، تدوین کردن، جمع آوری کردن	magnify	تشدید کردن، (تصویر) بزرگ کردن، درشت نشان دادن
expand	گسترش دادن، توسعه دادن، رونق بخشیدن	reproduce	دوباره تولید کردن، تولیدمثل کردن
define	تعریف کردن	contain	شامل (چیزی) بودن، دربرداشتن
convert	تبدیل کردن، تغییر یافتن	disconnect	قطع کردن، ازهم جدا کردن
surround	احاطه کردن، محاصره کردن	wonder	تعجب کردن، به فکر افتادن
lie	درازکشیدن،	present	هدیه کردن، تقدیم کردن

	خوابیدن، قرارداداشتن	
--	----------------------	--

Phrasal Verbs			
stand for	علامت اختصاری، مخفف بودن	figure out	سردرآوردن از
keep to oneself	سرکسی توی لاک خودبودن	find out	متوجه شدن، فهمیدن
work sth out	به چیزی رسیدن، محاسبه کردن	read on	به خواندن ادامه دادن
look up	(در کتاب و لغت) دنبال ... گشتن، نگاه کردن		

Preposition			
by	به، به اندازه	plus	به علاوه، گذشته از این
throughout	در طول، سرتاسر	behind	پشت سر، عقب تر از

Determiner / Conjunction			
although	اگرچه، هرچند که	if	اگر، که آیا
once	به محض اینکه، همین که	whereas	در حالی که، در صورتی که
wherever	هرجا که، هرکجا که	while	اگرچه، وقتی که
whatever	هرکاری که، هر نوع	as soon as	به محض اینکه